



جایگاه پلیس در مرحله پیشگیری از ارتکاب جرم در حقوق کیفری ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۴/۱۵)

یوسف فلاحی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

پیشگیری از جرم، از جمله مباحث مهم علم جرم‌شناسی است. مفهوم پیشگیری از جرم زیر عنوان جرم‌شناسی پیشگیری مطرح می‌شود. این شاخه از علم جرم‌شناسی جزء شاخه‌های عملی و اجرایی جرم‌شناسی است. با اینکه راهکارهای پیشگیرانه و تدابیر مربوط به آن را از دیرباز مشاهده می‌کنیم، اما می‌توان گفت تنها چند دهه است که پیشگیری از جرم مورد توجه بسیاری از کشورهای متمدن قرار گرفته است. کشورهای مزبور دریافته‌اند که مبارزه اساسی با جرم، جز از طریق اقدام موثر برای پیشگیری از جرم امکان‌پذیر نیست. باید در نظر داشت که پیشگیری از جرم عموماً توسط مسئولان و مراجع دولتی اجرا می‌شود، اما به هر ترتیب اجرای موفق و موثر پیشگیری از جرم، منوط به مشارکت نهادها و مراجع غیر دولتی، به ویژه مشارکت همه جانبه شهروندان است.

پروژه‌سگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: پیشگیری از جرم، نیروی انتظامی، پلیس، سیاست‌های پیشگیرانه، تکرار

جرم



بخش اول : مفهوم و انواع پیشگیری

در این مبحث سعی بر آن است که با مورد توجه قرار دادن مفهوم و انواع پیشگیری به بررسی در خصوص این موضوع بپردازیم:

بند اول : مفهوم پیشگیری

واژه پیشگیری در فرهنگ لغات به معنای " جلوگیری کردن ، مانع شدن ، مانع سرایت شدن و پیش بندی کردن آمده است " ^۱. پیشگیری یک مفهوم کلی است و به مجموعه اقدام هایی گفته می شود که برای پیشگیری و جلوگیری از فعل و انفعالات زیان آور محتمل بر فرد و گروه بعمل می آید مانند پیشگیری از حوادث کار ، پیشگیری از بزهکاری جوانان و پیشگیری از تصادفات در جاده ها و ...

هدف اصلی پیشگیری از جرم کنترل اعمال مجرمانه است و در کنترل اعمال مجرمانه اصلاح و بازداشتن مجرم ، حفاظت و حمایت از بزه دیده و جامعه مد نظر است . به هر حال تعاریف مختلفی توسط دانشمندان در خصوص پیشگیری از جرم ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می شود. دکتر علی حسین نجفی ایرند آبادی در خصوص واژه پیشگیری می نویسد :

"واژه پیشگیری امروزه در معنای جاری و متداول آن دارای دو بعد است. پیشگیری یا جلوگیری کردن ، هم به معنی پیش دستی کردن ، پیشی گرفتن و به جلو چیزی رفتن ؛ و هم به معنی آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن است . اما در جرم شناسی پیشگیرانه ، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می شود . یعنی کاربرد فنون مختلف بمنظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، هدف به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است. اما از نظر علمی پیشگیری یک مفهوم منطقی و تجربی است که هم زمان از تاملات عقلانی و مشاهدات تجربی تلقی می شود." ^۲

ریموند گسن تحت عنوان از ریشه کلمه تا معنای علمی آن پیشگیری را چنین تعریف می نماید:

۱- معین ، محمد ، فرهنگ فارسی ، جلد اول ، چاپ ششم ، تهران : سپهر ۱۳۶۳ ، ص ۹۳۳ .

۱- نجفی ایرند آبادی ، علی حسین ، مجله امنیت ، وزارت کشور شماره ۲۰/۱۹ بهمن و اسفند ماه ۱۳۷۹ ، ص ۱۷ .



"از نظر ریشه شناسی کلمه پیشگیری دارای بعدی مضاعف است. پیشگیری کردن در عین حال جلو رفتن و آگهی دادن است. در جرم شناسی پیشگیری به معنای اول کلمه گرفته شده است و آن عبارتست از به جلوی تبهکاری رفتن با استفاده از تکنیک های گوناگون مداخله به منظور ممانعت از وقوع بزهکاری است. از نقطه نظر علمی مراد از پیشگیری هر گونه فعالیت سیاسیت جنایی است برای تحدید حدود پیش آمدن مجموعه اعمال مجرم ها از راه غیر ممکن ساختن، دشوار ساختن و احتمال وقوع آن را پایین آوردن است بدون اینکه به کیفر یا جزای آن متوسل شوند.^۱

بند دوم: انواع پیشگیری

دانشمندان حوزه های علوم اجتماعی و جرم شناسی پیشگیری از جرم را به انواع مختلفی تقسیم کرده اند ولی با وجود اختلاف نظر ها در تقسیم بندی پیشگیری از جرم به پیشگیری کیفری و غیر کیفری اتفاق نظر دارند، لذا به بحث پیرامون هر کدام از آنها می پردازیم.

الف) پیشگیری کیفری: در این نوع پیشگیری با تکیه بر اثرهای اعمال کیفر، اجرای سریع و حتمی آن سعی می نمایند که بر افکار عمومی جامعه تأثیر گذارند تا از ارتکاب جرم ها پیشگیری گردد. اما باید توجه کرد که اقدام کیفری اثرهای کمی بر کاهش نرخ جرم ها داشته است و با آنکه در قوانین بسیاری از کشور ها مجازات های سنگینی برای جرم ها داشته است و با آنکه در قوانین بسیاری از کشورها مجازات های سنگینی برای جرم ها پیش بینی شده است، اما در مهار جرم ها چندان موفق نبوده اند و در نتیجه انتظارات افراد جامعه تحقق نیافته است. پیشگیری کیفری به دو شاخه عام و خاص تقسیم می گردد. پیشگیری عام: محور این نوع پیشگیری، بر نقش بازدارندگی مجازات ها، ایجاد ترس و وحشت و عبرت آموزی کیفری بر عموم مردم استوار است. پیشگیری عام، جرم مدار است و در این نوع پیشگیری از طریق وضع قوانین، تعیین کیفر و اجرای آن بر مجرم ها تلاش می شود تا از ارتکاب اولیه جرم توسط افراد جامعه پیشگیری گردد.

۲- گسن، ریموند، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، تهران: مترجم سال ۱۳۷۰، ص ۱۳۳.



پیشگیری خاص: هدف اصلی این نوع پیشگیری، اصلاح مجرم‌ها و جلوگیری از تکرار جرم است و مجموعه اقدام‌هایی است که در راستای بازپروری و اصلاح مجرمین انجام می‌گیرد تا از تکرار جرم جلوگیری گردد. این نوع پیشگیری بر خلاف پیشگیری خاص، مجرم مدار است و از دیدگاه جرم‌شناسی متأثر است. در پیشگیری خاص سعی می‌شود با فردی کردن قانون، اجرای محکومیت‌ها، گرفتن آزادی و مراقبت و کمک کردن به زندانیان از تکرار جرم زندانیان مرخص شده پیشگیری نمایند.

ب) پیشگیری غیر کیفری: پیشگیری کیفری (رسمی، دولتی) اثرات محدود تری در پیشگیری از جرم‌ها داشته است. لذا جرم‌شناسان و صاحب‌نظران برای پیشگیری از جرم‌ها فعالیت‌های خود را بر منابع غیر رسمی و غیر کیفری متمرکز نموده‌اند. در کتاب پیشگیری از جرم در این خصوص چنین آمده است:

در انتهای قرن بیستم در آمریکا نتایج این دیدگاه واکنش سیستم قضایی جهت کنترل جرم آشکارتر شده است که سختگیری‌ها و بکارگیری طبقه بندی کیفری شدید جرم‌ها باعث افزایش زندانیان در زندان و بازداشتگاه‌ها گردیده است. هم‌چنانکه هزینه‌های عملکرد سیستم قضایی چند میلیون دلاری افزایش می‌یابد و زندان‌ها تبدیل به مکانی برای جمع کردن جوانان رنگین پوست می‌شوند. تردید کمی باقی مانده است که تفکر فعلی ما برای کنترل جرم هم پرهزینه و هم غیر منصفانه است. از اوایل سال ۱۹۸۰ دانشمندان و افراد حرفه‌ای زیادی در این رابطه بحث کرده‌اند که سیستم قضایی به تنهایی نمی‌تواند مشکلات جرم و مواد مخدر را حل نماید. لذا به کمک خارج از دیوارهای این بروکراسی و به طرز فکر جدیدی در مورد کنترل جرم و پیشگیری از آن نیازمندیم. خوشبختانه بعضی از روشنفکران و مجریان مستعد در حال برنامه‌ریزی راهکارهای جدید هستند.^۱ براساس چنین عقایدی پیشگیری غیر کیفری تحت عنوان پیشگیری‌های جدید پایه‌ریزی گردید. البته منظور چنین عقایدی به این سادگی نبوده است و اندیشمندان بزرگ مکتب‌هایی مثل فایده اجتماعی، عدالت مطلق، کلاسیک، تحقیقی،

۱- دنیس پ، روزنیام، پیشگیری از جرم، ترجمه مصطفی شوشتری، تهران: مرکز فناوری آموزشی ناجا،



دفاع اجتماعی نوین نئو کلاسیک نوین، بزه دیده شناسی و... در شکل گیری این روند سهم بسزایی داشته اند.

پیشگیری غیر کیفری هم به دو شاخه اجتماعی و وضعی تقسیم می شود.

۱- پیشگیری اجتماعی: پیشگیری اجتماعی از بزهکاری شامل مجموعه اقدام های پیشگیرنده است که به دنبال حذف یا خنثی کردن آن دسته از عواملی است که در تکوین جرم موثر بوده اند.^۱ در پیشگیری اجتماعی سعی می شود بر شخصیت افراد جامعه از طریق نهادهای اجتماعی تأثیر گذاشته شود تا افراد جامعه طوری تربیت شوند که از ارتکاب هر نوع جرمی اجتناب کنند. در این پیشگیری تمرکز بر سالم سازی محیط اجتماعی است.

جرم شناسان اعتقاد دارند که نارسایی اجتماعی از علل عمده وقوع جرم ها است و لازم است این نارسایی ها بهبود یابند، لذا روش "پیشگیری اجتماعی" از جرم بیشترین تمرکز خود را بر روی برنامه ها و سیاست های تکاملی دارد و سعی در بهبود وضعیت بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش و مسکن، فرصت های شغلی و فعالیت های محلی مجرمین بالقوه دارد. به علاوه با درک از ارزشمندی کشف زود هنگام و مداخله بیشتر، برنامه های پیشگیری از جرم ها، روی جوانان متمرکز شده و افراد محله ها و خانواده هایی را مدنظر قرار می دهد که بیشتر در معرض خطر قرار دارند.^۲ بطور کلی می توان گفت پیشگیری اجتماعی بر تغییر شرایط اجتماعی جرم زا و کاهش انگیزه های مجرم ها متمرکز است.

۲- پیشگیری وضعی: در پیشگیری وضعی با حمایت از آماج های جرم، بزه دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی در صدد جلوگیری از بزه دیدگی افراد و آماج ها در برابر بزهکاران هستند. که در نهایت و به طور غیر مستقیم کاهش بزهکاری نتیجه آن خواهد بود. در صورتی که پیشگیری اجتماعی بطور مستقیم در مقام جلوگیری از مجرم شدن افراد جامعه است، یعنی جلوگیری از

۱- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، پیش گیری از بزهکاری و پلیس محلی (قسمت دوم)، نشریه امنیت، وزارت

کشور، سال چهارم، شماره نوزدهم و بیستم، ۱۳۷۹ ص ۱۹.

۲- دنیس پ، روزنیام، پیشگیری از جرم، ترجمه مصطفی شوشتری، تهران: مرکز فناوری آموزشی ناجا، ۱۳۸۱،

ص ۲۰۰-۱۹۹.



تبدیل شدن بزه‌کاران بالقوه به بزه‌کاران بالفعل.^۱ پیشگیری وضعی ریشه در بزه دیده شناسی دارد و در بزه دیده شناسی نقش بزه دیده در وقوع جرم مورد مطالعه قرار می‌گیرد. لذا برای جلوگیری از قربانی شدن افراد جامعه از روش‌های پیشگیری وضعی استفاده می‌نمایند. مجرم‌ها با بهره‌برداری از فرصت‌ها و شرایطی که در رفتارهای قربانیان جرم خلل ایجاد می‌کند، بهره‌برداری کرده و به اندیشه ارتکاب جرم می‌افتند. لذا مجرم فردی است حسابگر و از طریق شیوه‌های فنی تا حدود زیادی می‌توان از عمل وی جلوگیری کرد. ژرژ پیکا پیشگیری وضعی را اینگونه توصیف می‌کند: "پیشگیری وضعی عبارتست از اقدام به محدود کردن فرصت‌های ارتکاب جرم یا مشکل‌تر کردن تحقق این فرصت‌ها برای مجرمین بالقوه".^۲ هدف پیشگیری وضعی تأثیر گذاری بر وضعیت شرایط قبل از ارتکاب جرم، وضعیت پیش‌جنایی، آستانه ارتکاب جرم و حین ارتکاب جرم است و سعی می‌گردد با افزایش خطر شناسایی و احتمال دستگیری بزه‌کاران بر محیط و شرایط وقوع جرم تسلط یابند. برنامه‌های پیشگیری وضعی بطور عمده بر کاهش فرصت‌های انجام جرم مثل استقرار فناوری‌های مراقبتی مراقبت شدید در اماکن عمومی و مناطق تجاری و همچنین کاهش موقعیت‌های مناسب وقوع جرایم و قربانی شدن افراد جامعه متمرکز است.

پیشگیری وضعی دارای ایراداتی به شرح زیر است:

۱. جرم را از بین نمی‌برد بلکه موجب جابجایی جرم‌ها از نقطه‌ای از نقطه دیگر می‌شود.
۲. ارتکاب جرم‌ها را از طبقه مرفه جامعه به سوی افراد بی‌بضاعت سوق می‌دهد.
۳. در جامعه ایجاد وحشت و ترس می‌کند.
۴. وظیفه پیشگیری از جرم را روی دوش قربانیان می‌گذارد، مقصودن مجرمین را ندیده گرفته و از بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی که منجر به وقوع جرم می‌شود غافل است.

۱- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، پیش‌گیری از بزه‌کاری و پلیس محلی (قسمت دوم)، نشریه امنیت، وزارت

کشور، سال چهارم، شماره نوزدهم و بیستم، ۱۳۷۹ ص ۱۹.

۲- ژرژ پیکا، پیشگیری از جرم‌های شهرنشینی، ترجمه عزیز طوسی، ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای

مصلح، شماره دوم، سال ۱۳۷۶، ص ۴۲.



۵. پیشگیری وضعی برای تمام جرم ها کاربرد ندارد. جرم هایی مثل خشونت های خانگی، سوء استفاده از کودکان، جرم های دولتی، قربانی شدن زنان و کودکان را شامل نمی شود. لازم به توضیح است طرفداران پیشگیری وضعی در مقام دفاع از ایرادات بالا برآمده و پاسخ هایی به شرح زیر داده اند:

۱. هر چند که پیشگیری وضعی جرم را از نقطه ای به نقطه ای دیگر منتقل می کند، ولی گاهی موجب تغییر رفتار و روش مجرمین شده و زمینه را برای روی آوردن به مشاغل شرافتمندانه را فراهم می کند.

۲. طرفداران پیشگیری وضعی اعتقاد دارند ترس از جرم در جوامع به اندازه کافی موجب وحشت و ترس در جامعه شده است. لذا ترس از پیشگیری وضعی در مقابل ترس از جرم بسیار ضعیف تر است و اضافه می کنند مردم بیشتر از ضعف توانایی های دستگاه کیفری و پلیس در هراسند تا پیشگیری وضعی.

۳. ادعا دارند آمار و تجارب نشان داده است که پیشگیری وضعی از انواع سرقت ها جلوگیری می کند. به لحاظ اهمیت پیشگیری وضعی که بعضی از صاحب نظران آن را پلیس نامیده اند. تعریف کلارک از پیشگیری وضعی:

کلارک می گوید:

"پیشگیری وضعی به رویکرد پیشگیرانه ای اشاره دارد که به جای بهبود جامعه یا سازمان های آن بطور ساده بر کاهش موقعیت های جرم مبتنی است.

پیشگیری وضعی شامل اقدام های کاهنده موقعیتی می شود که:

۱- به اشکال خاص توجه دارد؛

۲- شامل مدیریت طراحی یا دستکاری محیط به شکل خاص و دائم می شود؛

۳- خطر ارتکاب جرم را افزایش می دهد تا منافع طیف وسیعی از خطاکاران را کاهش بدهند و دو تکنیک راهبر برای این تفکر علمی خود آگاهانه را، تحکیم هدف و نظارت می داند. تحکیم هدف سعی دارد وسیله اقدامها علمی نظیر استحکام و امنیت سازی و وسایل روزمره فناوری مثل در، یا جعبه سکه تلفن ارتکاب جرم را دشوار تر می کند. از طرف دیگر تحکیم



نظارت اشاره دارد به کنترل‌های رسمی و غیررسمی که به وسیله مردم و پلیس در زندگی روزمره اعلام می‌شود. به عنوان مثال به طراحی محیط‌های ساخته شده و چگونگی مخفی کردن با طراحی مجدد آن‌ها برای یاری به مردم در کنترل محیط خودشان توجه می‌کند. این توجه‌ها با نظارت مرتبط است.^۱

بخش دوم: قانون اساسی

بند اول: قانون اساسی

در این قانون در اصل ۱۵۶ بطور صریح و در اصل ۸ بطور غیرمستقیم پیشگیری از جرم مطمح نظر قرار گرفته است. در اصل ۱۵۶ چنین آمده است.

«قوه قضاییه قوه ای است مستقل و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

۳- نظارت بر حسن اجرای قانون

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزای اسلام

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.»

بند ۵ اصل ۱۵۶ وظیفه اصلی واکنش در برابر جرم و پیشگیری از آنرا به قوه قضاییه محول نموده است و در سال‌های اخیر در راستای تحقق این بند اقدام‌های مفید تری انجام گرفته و قوه قضاییه سعی در تدوین سیاست جنایی آینده کشور در پیشگیری و اصلاح مجرمین دارد.

در اصل هشتم چنین آمده است: "دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است و

۱- گوردون هیوز، پیشگیری از جرم (کنترل اجتماعی، مدرنیته اخیر)، ترجمه علیرضا کلدر و محمد تقی جعتایی



شرايط و حدود و كيفيت آن را قانون معين مي كند. (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَا بَعْضٍ يَمِيرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ).

امروزه سياست جنايي تنها اقدام هاي رسمي (دولتي) را شامل نمي شود، بلکه مشاركت هاي مردمی را هم در پيشگيري از جرم ها مد نظر دارند. اين اصل با تكيه بر تعاليم عاليه اسلامي از طريق امر به معروف و نهي از منكر مي تواند شيوه هاي كنترل اجتماعي غير رسمي و سياست جنايي مشاركتي را ترسيم نمايد.

بند دوم: قانون مجازات اسلامي سال ۱۳۷۰

ماده ۱۷ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ بيان داشته: مجازات بازدارنده، تأديب يا عقوبتي است كه از طرف حكومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حكومتي تعيين مي گردد از قبيل حبس، جزاي نقدي، تعطيل محل كسب، لغو پروانه و محروميت از حقوق اجتماعي و اقامت در نقطه يا نقاط معين و منع از اقدامات در نقطه يا نقاط معين و مانند آن.

با اينكه اين ماده به مفهوم مجازات و اجراي آن متوسل شده، ولي به هر حال متضمن مفهومي از پيشگيري است. مفهوم اين ماده، بيانگر پيشگيري كيفري بوده و به اشتباه، فقط مجازات هاي به اصطلاح بازدارنده را داراي اين خصيصه دانسته است.

بند سوم: قانون اقدام هاي تأميني مصوب ارديبهشت ماه سال ۱۳۳۹

در ماده ۱، اين قانون چنين آمده است "اقدام هاي تأميني عبارتند از تدابييري كه دادگاه براي جلوگيري از تكرر جرم درباره مجرمين خطرناك اتخاذ مي كند." مجرمين خطرناك كساني هستند كه سوابق و خصوصيات روحي و اخلاقي آن ها كيفيت ارتكاب جرم توسط آنان و نوع جرم ارتكابي آنان را در مظان ارتكاب جرم در آينده قرار مي دهد.

بند چهارم: قانون نيروي انتظامي جمهوري اسلامي ايران مصوب ۲۷ تير ماه

سال ۱۳۶۹

در بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا آمده است: "انجام وظايفي كه بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضاييه به عهده نيروي انتظامي محول است از قبيل:



- الف) مبارزه با مواد مخدر
 ب) مبارزه با قاچاق کالا
 ج) مبارزه با منکرات و فساد
 د) پیشگیری از وقوع از جرم‌ها
 ه) کشف جرایم
 و) بازرسی و تحقیق
 ز) حفظ آثار و دلایل جرم
 ح) دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و پنهان شدن آنان
 ط) اجرا و ابلاغ احکام قضایی.

"به طوری که در بالا آمده قسمت (د) بند ۸ این قانون پیشگیری از وقوع جرم‌ها را جزو وظایف قضایی ناجا ذکر کرده است. اما بعضی از صاحب نظران علم حقوق در خصوص این بند معتقدند که با تعریف ضابطین دادگستری در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب هماهنگی ندارد. در ماده ۱۵ قانون مذکور ضابطین دادگستری چنین تعریف شده است: "ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند." بعضی از صاحب نظران به لحاظ اینکه پیشگیری از وقوع جرم در ماده بالا جزو وظایف ضابطین قضایی احصا نشده است، آن را هماهنگ با قسمت (د) بند ۸ قانون ناجا نمی‌دانند.

بند پنجم: قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۸/۸/۳

در ماده ۳۳ این قانون چنین آمده است: "به منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل اعم از تولید، توزیع، خرید، فروش و استعمال آن‌ها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرایی، قضایی، برنامه‌های پیشگیری، آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در این راستا متمرکز خواهد بود. اعضای ستاد به شرح زیر می‌باشد:



- ۱- رئیس جمهور؛
- ۲- دادستان کل؛
- ۳- وزیر کشور؛
- ۴- وزیر اطلاعات؛
- ۵- وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی؛
- ۶- وزیر آموزش و پرورش؛
- ۷- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران؛
- ۸- فرماندهی نیروی انتظامی؛
- ۹- سرپرست دادگاه انقلاب اسلامی؛
- ۱۰- سرپرست سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی؛
- ۱۱- فرماندهی نیروی مقاومت بسیج؛
- ۱۲- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی."

ترکیب اعضا ستاد، دامنه فعالیت‌های علمی این ستاد در پیشگیری از جرم‌ها اهمیت کار را به خوبی مشخص و آشکار می‌سازد. برای مواد ۳۳ و ۳۴ این قانون آیین‌نامه اجرائی پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد تدوین گردیده است. ماده ۲ برای وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، ماده ۳ برای کمیته امداد امام خمینی، ماده ۴ دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، ماده ۶ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ماده ۷ سازمان صدا و سیما، ماده ۱۰ برای شهرداران سراسر کشور، ماده ۱۱ استاد کل نیروهای مسلح و در ماده ۱۲ برای سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی وظایفی را در پیشگیری از اعتیاد و درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد در نظر گرفته‌اند.

بخش سوم: مصادیق حفظ حقوق شهروندی در مرحله پیشگیری از ارتکاب جرم

در این مبحث به بررسی اصول و موازینی می‌پردازیم که پلیس در حین انجام وظیفه به منظور پیشگیری از جرم، باید رعایت کند، در این خصوص ضمن مراجعه به دستورالعمل و بخشنامه



های داخلی ناجا و استفاده از قوانین به بحث در این مورد می پردازیم ، متأسفانه قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ ، در زمینه پیشگیری از جرم به ویژه تبیین مصادیق حدود اختیارات پلیس، بسیار فقیر است . پیشگیری از جرم ، مرحله بسیار حساس، ظریف و مهمی است ، اما قانونگذار به این موضوع اهتمام نورزیده است . لذا در این خصوص بیشتر بر سایر منابع موجود و برخی اصول ارشادی و پیشنهادی به منظور بهبود وضعیت موجود می پردازیم .

بنداول : حفظ حقوق شهروندی در بکارگیری سلاح و قوه قهریه

حسن اجرای وظیفه و برقراری نظم عمومی و امنیت ملی از جمله وظایف اصلی پلیس است . با نگاهی اجمالی به فعالیت های ذاتی پلیس ، بی درنگ متوجه می شویم که نوع این امور با سایر امور جامعه، تفاوتی اساسی دارد . برای انجام این گونه امور برای مقابله موثر و کارآمد با عوامل مخل نظم و امنیت ، پلیس باید به اندازه کافی مجهز و مسلح باشد . بنا بر همین اصل، دولت پلیس را به تجهیزاتی مجهز یا اختیارات ویژه ای به او اعطا می کند تا بتواند به هر ترتیب از عهده انجام این امور برآید . اما در راستای برقراری نظم و امنیت ، حتی پلیس نیز دارای اختیارات و مزایای بی حد و حصر و بلاقید یا سلیقه ای نیست . زیرا استفاده بلاقید از قدرت (مانند اسلحه یا زور و...) خود از علل پیدایش استبداد دولت ، بی نظمی ، اغتشاش و عدم امنیت خاطر شهروندان است . منظور از قوه قهریه توسل به زور است که پلیس، گاه مجاز به استفاده از آن است . شهروندان در مقابل استفاده از زور توسط پلیس، مجاز به دفاع و مقابله به مثل نیستند، اما عدم دفاع مقید به شرایطی است و پلیس هنگامی مجاز به استفاده از زور است که راهی جز این نداشته و اجرای وظیفه و حسن انجام آن، منوط به استفاده از زور باشد . در خصوص استفاده از زور و خشونت در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران، مقررات صریح و روشنی به چشم نمی خورد. تنها موضع قانون گذار در آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ که به نحو اجمال و تا حدودی مرتبط با این موضوع مقرر کرده، ماده ۱۰۲ قانون موصوف است که مقرر می دارد:



در صورتی که متصرفین قانونی اماکن یا متصدیان آن‌ها، دستور قاضی را در باز کردن محل‌ها و اشیای بسته اجرا نمایند، قاضی می‌تواند دستور باز کردن را بدهد، ولی مکلف است حتی المقدور از اقداماتی که باعث ورود خسارت می‌شود احتراز نماید. تأکید این ماده فقط بر محدودیت و یا منع خسارت، در صورت تمرد و لغو دستور قاضی است و از پرداختن به سایر موضوعات و مصادیق اجتناب کرده است. در خصوص استفاده از اسلحه هم کاربرد اسلحه، تابع شرایطی بوده و قبل از وقوع جرم و به منظور پیشگیری از وقوع آن، به ندرت باید مورد استفاده قرار گیرد، زیرا صدمات ناشی از کاربرد اسلحه در بسیاری از مواقع جبران‌ناپذیر است. خوشبختانه در این راستا، قانونگذار در سال ۱۳۷۳، اقدام به تصویب قانون به کارگیری سلاح توسط مامورین نیروی انتظامی در موارد ضروری کرده است که فقط تحت آن شرایط حق به کارگیری و استفاده از سلاح را دارند.^۱

بند دوم: حفظ حقوق شهروندی در ورود به حریم خصوصی

حریم خصوصی از جمله موضوعات و مصادیق بسیار مهمی است که گاهاً مورد مداخله و یا تعرض قوای عمومی دولتی از جمله پلیس قرار می‌گیرد. البته حفظ و صیانت از حریم خصوصی در جوامع مختلف، دارای معیارهای متفاوتی است و از جمله این معیارها، که حقوق ملازم شهروندان، بر اساس آن تعیین می‌شود، قانون لازم‌الاجرای کشور است.

در این رابطه، قانون اساسی ایران، با تصویب اصل ۲۲، حیثیت، جان، مال، حقوق، شغل، و به ویژه مسکن شهروندان را مصون از تعرض غیر قانونی دانسته است. اما به نظر می‌رسد که حمایت از حریم خصوصی، مستلزم تأکیدی اساسی تر و تبیین مصادیق و تعاریفی از آن نیز باشد. در این راستا و با توجه به اهمیت موضوع، در تاریخ ۸۴/۳/۴ لایحه حمایت از حریم خصوصی که توسط هیئت وزیران به تصویب رسیده بود، تقدیم مجلس شورای اسلامی، برای طی تشریفات لازم شد. در این لایحه حریم خصوصی، اماکن خصوصی، منزل، حریم خصوصی جسمانی و اطلاعات شخصی حساس، ارتباطات، حریم خصوصی در محل کار و... به دقت از یکدیگر

۱- جهت مطالعه بیشتر به قانون به کارگیری سلاح توسط مامورین نیروی مسلح در موارد ضروری، مصوب ۱۳۷۳ مراجعه شود.



تفکیک و تعریف شده است. در نهایت، حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص دانسته شده که فرد در آنجا انتظار دارد که دیگران بدون اذن وی وارد نشوند، بر آن نگاه نکنند، به اطلاعات آن دسترسی نداشته باشند، و در مجموع، وی در آنجا مورد تعرض قرار نگیرد (ماده ۲، بند ۱). در این رهگذر، هدف ما بررسی و تبیین مفهوم و معنای دقیق حریم خصوصی، مبانی و ارکان آن نیست. بلکه در صددیم تا با گذری اجمالی بر این مفهوم، بیان کنیم که پلیس، در راستای پیشگیری از جرم، با انجام هر نوع امور پلیسی، از جمله گشت زنی، باید با در نظر داشتن مفهوم حریم خصوصی، از هر گونه تعرض به آن خودداری کند. البته در مورد هر قاعده اساسی، از جمله حفظ حریم خصوصی شهروندان، موارد استثنایی نیز وجود دارد. به عنوان مثال، در برخی از جرایم نوین مانند پولشویی، قاچاق انسان، تروریسم و... پلیس باید از اختیارات ویژه ای برای پیشگیری و یا کشف آن‌ها برخوردار باشد. زیرا در ارتکاب این نوع جرایم، پلیس معمولا با مسایلی چون سازمان یافتگی جرم، وجود باندهای متشکل و هدفمند، هوش و درایت فراوان بزهکاران آن، تجهیزات پیشرفته برای ارتکاب جرم از جمله تجهیزات رایانه ای و مخابراتی و برخی مواقع بزهکاران یقه سفید مواجه است. هم اکنون شاهدیم که حقوق کیفری نیز در برخورد با این گونه جرایم و یا بزهکاران، به حقوق کیفری سخت گیر و یا دشمن محور تبدیل شده است. در این رویکرد نوین حقوق کیفری، شاهد به چالش کشیده شدن اصول اساسی دادرسی های کیفری، از جمله اصل برائت (و پذیرش اصل مجرمیت)، از بین رفتن حق جرح شاهد، مداخله در برخی از ارکان زندگی خصوصی و... هستیم. بنابر این به ناچار و در راستای حفظ منافع و مصالح عالییه مملکت باید به پلیس نیز اختیارات ویژه و قانونی، هر چند محدود و مشخص داده شود، تا بتواند امنیت کشور را به خوبی حفظ نماید. بنابراین در این گونه موارد، باید در توازن میان برقراری امنیت کشور و حفظ مصالح عالی آن از یک سو و حفظ حقوق شهروندی شهروندان از سوی دیگر، رجحان را به حفظ امنیت کشور داد و در حدود موازین قانون، پلیس را مجاز به مداخله در حریم خصوصی شهروندان دانست. البته تعیین حد و حصر آن بسیار مهم است که این مهم با توجه و اهتمام قانونگذار و تصویب قانونی صریح در این زمینه جامه عمل به خود می پوشد. به هر ترتیب در آیین قانون دادرسی کیفری ایران، در خصوص مداخله در حریم خلوت شهروندان، آن هم در



مرحله پیشگیری از جرم، مقررات مدونی نداریم، اما با الهام از سایر مقررات و تاحدودی که می‌توان تفسیر موسع کرد، ممکن است بتوان گفت: با توجه به ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸، به ویژه قسمت اخیر این ماده، تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرایم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد، هر چند اجرای تحقیقات به طور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد. در این ماده ما شاهدیم که قانونگذار، اول نظر به انجام تحقیقات پس از ارتکاب جرم داشته باشد. ثانیاً تفتیش منازل، اماکن، اشیاء و جلب اشخاص را به هر نحو (حتی با ارجاع کامل تحقیقات از سوی مقام قضایی به ضابط) منوط به مجوز ویژه مقام قضایی دانسته است. تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص را که می‌توان مداخله در بخشی از حریم خصوصی و خلوت شهروندان دانست، منوط به تجویز مقام قضایی و با طی تشریفات ضروری است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که قانونگذار، پس از ارتکاب جرم، مداخله در بخشی از حریم خصوصی را منوط به وجود شرایط و ضوابط خاص و با طی تشریفات خاص دانسته است. بنابراین، کاملاً بدیهی و منطقی به نظر می‌رسد که قبل از وقوع جرم و در مقام پیشگیری از آن الزام پلیس به رعایت و احترام به حریم خصوصی شهروندان، باید دو چندان باشد.

بند سوم: حفظ حقوق شهروندی در تحقیق درباره جرائم احتمالی

بنابر ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸، هر گاه علائم و امارات وقوع جرم مشکوک بوده و یا اطلاعات ضابطین دادگستری از منابع موثق نباشد، قبل از اطلاع به مقامات قضایی، تحقیقات لازم را بدون این که حق دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند به عمل آورده و نتیجه را به مقامات یاد شده اطلاع می‌دهند. این ماده به علائم و امارات مشکوک وقوع جرم اشاره کرده است. به نظر می‌رسد که قانونگذار موردی را مد نظر داشته که ضابطین هنوز نمی‌دانند آیا جرمی واقع شده یا خیر و بر همین مبنا، تشریفات را مقرر کرده است. صرف نظر از ایراداتی که به این ماده وارد است، به نظر می‌رسد تا وقتی که ضابطین از وقوع جرم اطمینان حاصل نکرده‌اند، بهتر است که برای انجام تحقیقات، الزامات مرحله پیشگیری از جرم را مد نظر داشته باشند. البته قانونگذار نیز با اندک بدبینی خود به مصادیقی از آن مانند عدم حق دستگیری و ورود به منزل کسی را قید



کرده، اما پلیس باید با توجه به تمامی مصادیق و موارد، اقدام به تحقیقات کند. زیرا به هر حال ممکن است بر اساس نتیجه نهایی تحقیقات، جرمی واقع نشده باشد، بنابراین در این گونه موارد، باید احتیاط دو چندان به عمل آورد.

نتیجه گیری

باید گفت پلیس، سازمانی دولتی است که حدود اختیارات و وظایف آن را قانون تعیین می کند. از جمله وظایف خطیر پلیس هر جامعه، کشف و تعقیب جرم (با هماهنگی و نظارت مقام صالح قضایی) از یک سو و پیشگیری از جرم، از سوی دیگر است. از طرفی، اجرای هر مأموریت و وظیفه ای، مستلزم اعطای اختیاراتی به مسئول و مجری آن است. لذا دولت ها به پلیس که مسئول اجرای قانون در جامعه است، به منظور حسن اجرای امور، اختیارات منحصر به فردی اعطا می کنند. اختیارات مذکور نوعاً به گونه ای است که سایر سازمان ها، نهادها و شهروندان را از یک سو ملزم به اطاعت از اوامر و نواهی او می کند و از سوی دیگر، سازمان یا نهادهای مزبور فاقد صلاحیت اعطای آن هستند. هدف از اعطای این اختیارات به پلیس حسن اجرای وظیفه، توانایی برقراری نظم و امنیت عمومی در جامعه و ارتقای آن است. بدیهی است که این نوع اختیارات، گاهی با حقوق شهروندی و آزادی های مشروع شهروندان در تعارض قرار می گیرد. بنابراین دولت ها هنگام اعطای این اختیارات (که عموماً به واسطه قانون مدون صورت می گیرد) باید در صدد کنترل و در مواردی تحدید یا تعیین دقیق حدود آن باشند. زیرا عملکرد پلیس به منظور حفظ و ارتقای نظم است و برای حصول این نتیجه، نباید خللی در آزادی های مشروع شهروندان و یا حقوق شهروندی آن ها وارد آید. مسأله برقراری نظم و امنیت عمومی، مسأله ای بسیار مهم و حساس است به طوریکه منافع عالی مملکت با آن، ارتباط مستقیم دارد. از سوی دیگر، حقوق و آزادی های مشروع شهروندان نیز از جمله مسائل مهم و ظریف است که به هیچ وجه نباید مورد تجاوز و تعرض قرار گیرد.

با این اوصاف، نتیجه می گیریم که:

۱. حدود وظایف و اختیارات پلیس، با توجه و تکیه بر قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ و قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب



۱۳۸۱ و برخی قوانین مرتبط دیگر مشخص می شود. بنابراین، اعطای اختیارات و تعیین حدود وظایف، صرفاً از طریق نص صریح قانون صورت می پذیرد. متأسفانه در هر سه قانون مذکور، در مورد حدود وظایف و اختیارات پلیس در مرحله پیشگیری از جرم سخنی گفته نشده و یا اهمیت ویژه ای به آن داده نشده است.

۲. در وضعیت فعلی ایران، با این که در قانون اساسی، قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، بسیاری از مصادیق و موازین حقوق شهروندی ذکر شده است. اما با وجود این، و با بررسی های دقیق منشور های حقوق شهروندی کشور های مترقی و اسناد مختلف بین المللی، شاهد ضعف و وجود نقیصه در این زمینه هستیم.

۳. مهم ترین حقوق شهروندی که ممکن است با عملکرد اشتباه پلیس مخدوش شود، حق خلوت شهروندان است. در حال حاضر، قانونگذار ایران در مورد حق خلوت، مقررات جامع و مانعی را تصویب نکرده و در این مورد باید بیشتر به قانون اساسی متوسل شد. از جمله معضلات مهم دیگر آن است که پلیس برای پیشگیری از جرم، قانون مدونی ندارد. لذا حدود وظایف و اختیارات او در این راستا مشخص نیست. از این رو متصدیان و مسئولان امر نیز در صدد آموزش و بهبود وضعیت موجود نبوده اند.

۴. با وجود الزام پلیس به رعایت موازین حقوق شهروندی در حین انجام وظیفه، باید در نظر داشت که مسأله امنیت عمومی جامعه و حفظ منافع و مصالح عالیه مملکت از اهمیتی دو چندان برخوردار است.

۵. در جهان امروزی، شاهد ارتکاب جرایم جدیدی مانند پولشویی، فساد اداری، قاچاق انسان، تروریسم و... هستیم. رویکرد نوین حقوق کیفری در قبال این گونه جرایم، شدت عمل، سخت و دشمن محور شدن است. رویکرد مذکور به گونه ای است که در مواجهه با این گونه جرایم، برخی از اصول اساسی دادرسی های کیفری مانند اصل برائت، حق جرح و تعدیل شهود و... به چالش کشیده می شود.



منابع و ماخذ

۱. آقا بخشی (حبیب)، اعتیاد و آسیب شناسی خانواده، انتشارات دانش آفرین، تهران، ۱۳۹۰
۲. اسعدی (سید حسن)، پیشگیری از اعتیاد، انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان، تهران، ۱۳۸۹
۳. امامی (حسن)، حقوق مدنی، انتشارات کتابفروشی اسلامیه، جلد ۵، تهران، ۱۳۷۶
۴. پور کاظمی (لطفعلی)، ترک اعتیاد، انتشارات بچه ها سلام، تهران، ۱۳۷۵
۵. تشویقی (فروهر)، تولد دوباره، انتشارات کتاب رشد، تهران، ۱۳۸۱
۶. صفایی (سید حسن)، قاسم زاده (سید مرتضی)، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱
۷. کاتوزیان (ناصر)، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات شرکت سهامی انتشار، جلد ۲، تهران، ۱۳۷۹
۸. گلدوزیان (ایرج)، بایسته های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲
۹. منصور (جهانگیر)، قانون مدنی، نشر دیدار، تهران، ۱۳۸۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی